

# تلنگر

هر آن چه سخت است و استوار  
دود می شود و به هوا می رود

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فساد و دموکراسی

www.graphicreflections.org



منشأ پروسه ورشکستگی در قانون رم

# سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فساد و دموکراسی

آپارنا ماتور – دپارتمان اقتصاد انستیتو آمریکن اینترپرایز  
کارتیکیا سینگ

این مقاله اولین مقاله ای است که نشان می دهد سرمایه گذاران خارجی برای تصمیم گیری در مورد مکان سرمایه گذاری به آزادی های اقتصادی بیشتر از آزادی های سیاسی اهمیت می دهند. از این رو کشورهایی که دموکراتیک تر هستند اگر آزادی اقتصادی در آنها تضمین نشود جریان های سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) کمتری دریافت می کنند. یک دلیل آن این است که اقتصادهای در حال توسعه ی دموکرات معمولاً قادر نیستند تا از طریق اصلاحات اقتصادی که سرمایه گذاران بدلیل تمایلات سیاسی متضاد خواهان آن هستند پیش بروند. این امر می تواند توضیح دهد که چرا کشورهایی مانند چین و سنگاپور که دموکراسی کم و حقوق مالکیت بالایی دارند در مورد جریان های سرمایه گذاری مستقیم خارجی عملکرد خوبی دارند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اقتصادسنجی فرازمانی، اقتصادهای در حال ظهور، داده های تابلویی، دموکراسی، فساد

## ۱- مقدمه

هرسال ترنسپرنسی اینترنشنال (TI) رده بندی کشورها بر اساس میزان فساد موجود در میان کارمندان دولتی و سیاستمداران را ارائه می دهد. سازمان «فساد» را «سوء استفاده از کارمند دولتی برای مزایای خصوصی» تعریف می کند. امتیاز

بیشتر نشان دهنده ی فساد کمتر است. برای مثال در آخرین تحقیق سال ۲۰۰۶ چین و هند امتیاز ۳.۳ از ۱۰ را گرفتند و آمریکا ۷.۳ و انگلستان ۸.۶ را کسب کردند. آیا این برداشت ها از فساد تأثیرات واقعی دارند؟ مسئله ی مورد توجه ما در این مقاله مطالعه ی

تأثیر آنها بر جریانهای خارجی سرمایه گذاری روی اقتصادهای در حال رشد است. بعلاوه با توجه به اینکه سرمایه گذاران هر لحظه با گزینه هایی برای محل سرمایه گذاری مواجه می شوند آیا این برداشت ها وارد مبادلات واقعی می شوند؟ آیا کاهش فساد در

چین بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در هند تاثیر می گذارد؟

دومین موضوعی که در این مقاله به آن می پردازیم رابطه ی پیچیده و غیر قابل درک میان نهادهای دموکراتیک و جریانهای سرمایه ی جهانی است. در حالی که اعتقاد بر این است که اقتصادهای در حال رشد باید به منظور ترویج سرمایه گذاری خارجی نهادهای دموکراتیک بیشتری را گسترش دهند ، ارتباطات نظری و تجربی که این اعتقاد را توجیه کنند کم می باشند.

این مقاله اولین تلاش برای پرداختن به این سوالها است و مبین های جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به اقتصادهای بازار در حال ظهور را با استفاده از رویکرد فrazمانی بطور تجربی مدل سازی می کند. این مقاله از داده های مرتبط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ۲۹ کشور میزبان مانند هند و چین در جنوب آسیا، برزیل و آرژانتین در جنوب آمریکا و

اندونزی، فیلیپین، تایلند و مالزی در شرق آسیا استفاده می کند. ما از داده های تابلویی برای دوره ی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ استفاده کردیم تا مطالعه کنیم که چگونه گونه های گسترده ای از عوامل مربوط به محیط رقابتی و اقتصادی در کشورهای میزبان بر این جریانها تاثیر می گذارند.

این تحقیق بر عواملی تمرکز می کند که ممکن است بر این جریانها تاثیر بگذارند مثل اندازه ی بازار، میزان آزادی و در دسترس بودن نیروی کار ماهر، هزینه ی نیروی کار و زیرساختها. کار منحصر بفرد این مقاله این است که بررسی کند آیا شرایط «کشورهای همسایه» جدا از شرایط اولیه ی خود کشور جریان یافتن سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشور را توضیح می دهند. از این رو این مقاله بررسی می کند که آیا میان «کشورهای همسایه» برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی رقابتی وجود دارد یا میان جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای

همسایه حالت تکمیلی وجود دارد. نتایج ما به قرار زیر است : اول اینکه احساس فساد (CP) در تصمیم سرمایه گذاران برای مکان سرمایه گذاری نقش مهمی ایفا می کند. کشورهایی که رتبه ی پایین تری دارند نسبت به آنها که رتبه ی بالاتر دارند جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمی دریافت می کنند. دوم اینکه جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصادهای در حال توسعه بسیار وابسته بهم هستند. این امر در میان مناطق بیشتر مصداق دارد. برای مثال دریافتیم که فساد کمتر در چین می تواند تاثیر چشمگیری بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به دیگر کشورهای منطقه ی جنوب آسیا داشته باشد. سیاست گذاران باید وقتی که استراتژی های جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را طراحی و شناسایی می کنند تاثیرات همسایگی را در نظر بگیرند. یک دلیل وابستگی درونی این است که بعضی از این کشورها میزان سرمایه گذاری مستقیم

خارجی خود را از منابع مشترک دریافت می کنند. برای مثال بطور متوسط ۶۰٪ سرمایه گذاری مستقیم خارجی درونی در چین، مالزی و تایلند از کمتر از ۳ منبع سرچشمه می گیرند. آمریکا یکی از ۳ سرمایه گذار بزرگ در چین و هند و کشورهای آمریکای لاتین است. همچنین ژاپن منبع اصلی سرمایه گذاری مستقیم خارجی مالزی و اندونزی است.

در نهایت کشورهای که دموکراتیک تر هستند نسبت به کشورهای که کمتر دموکراتیک هستند جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمتری دریافت می کنند. مقیاس دموکراسی ما مقیاس حقوق سیاسی و آزادی مدنی شهروندان است و آزادی های اقتصادی مقیاس خوبی برای آن نیستند. سرمایه گذاران به آزادی اقتصادی مثل حمایت از دارایی شخصی، محدودیت کم برای جریان سرمایه و آزادی مبادلات اهمیت می دهند. البته این موارد به متغیر دموکراسی وابسته نیستند.

وقتی که بخش اول مقاله با بخش دوم را پیوند دادیم دریافتیم که میزان احساس فساد (CP) حداقل با یکی از مقیاسهای آزادی اقتصادی که حمایت از حقوق سرمایه است همبستگی شدید دارد و با میزانی کمتر با دیگر مقیاسها مثل جریان آزاد سرمایه و آزادی مبادله همبستگی دارد. این موضوع تعجب آور نیست چون هرچه میزان محدودیت هایی که دولت بر شهروندان تحمیل می کند بیشتر باشد وقتی تصمیمات اداری دسترسی به مبادلات خارجی را تعیین کنند و ریسک منع تعاملات مطلوب و قانونی افزایش یابد میزان فساد (مثلاً رشوه خواری) بیشتر خواهد شد.

بخش های مقاله به قرار زیر است. بخش ۲ بعضی مقالات موجود در مورد جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به اقتصادهای در حال توسعه را مرور می کند. بخش ۳ مدل تجربی که برای ارزیابی از آن استفاده کرده ایم را به تفصیل شرح می دهد. بخش ۴

داده ها و خلاصه ی آمارها را مورد بحث قرار می دهد. بخش ۵ نتایج اقتصادی حاصل از ویژگی های متعددی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فساد را بهم مرتبط می کنند ارائه می دهد. بخش ۶ نتایج ما در مورد دموکراسی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فساد را مورد بحث قرار می دهد و بخش ۷ جمع بندی است.

## ۲- منابع تحقیق

در این بخش مطالعات تجربی اصلی که تلاش دارند تا اهمیت مبین های مختلف جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را ارزیابی کنند بطور مفصل شرح می دهیم. متغیرهای اصلی که عموماً مورد استفاده قرار می گیرند عوامل مکانی یا کشش است مثل اندازه ی بازار و عوامل فشار که به شرایط کشور مبدا مربوط می شود.

نانبرگ و مندونسا (۲۰۰۴) از تابلوی ۳۸ اقتصاد در حال توسعه طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ استفاده کردند. آنها برای اندازه ی

اقتصاد ( همانطور که توسط محصول ملی خالص (GNP) اندازه گیری شده)، میزان متوسط رشد در سالهای گذشته، میزان تحصیل و میزان آزادی تاثیرات مثبت و مهمی یافتند و هیچ عامل فرازمانی را میان این اقتصادها مدل سازی نکرده اند.

مقاله ای که تحلیل ما را تایید می کند هانسن و همکاران ( ۲۰۰۳ ) است. این مقاله بر ۵ اقتصاد آسیای شرقی- چین، مالزی، اندونزی، تایلند و ویتنام - تمرکز کرده و این سوال را مطرح می کند که آیا سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای خاص سرمایه گذاری در همتایان منطقه ای را ترغیب می کند یا مانع آن می شود؟ آنها از چارچوب بردار بازگشتی اتوماتیک ( VAR ) استفاده کردند و ارتباط درونی مهمی میان این کشورهای آسیایی یافتند.

در مقاله ی کاربردی اخیر ایچن گرین و تانگ ( ۲۰۰۵ ) از داده های جریان سرمایه گذاری مستقیم

خارجی دوجانبه استفاده کردند تا بررسی کنند که آیا ظهور چین به عنوان مقصد سرمایه گذاری، سرمایه گذاری مستقیم خارجی دریافت شده از دیگر کشورها و مخصوصاً کشورهای آسیایی را تغییر داده. تحلیل کلی انحراف سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دیگر کشورهای آسیایی را نشان نمی دهد. شانگ جین وی ( ۲۰۰۰ ) تاثیر فساد بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی را مطالعه می کند. این نمونه سرمایه گذاری دو جانبه از ۱۲ کشور مبدا به ۴۵ کشور میزبان را پوشش می دهد. در مقاله ی او معلوم شد که افزایش مالیات کشورهای چند ملیتی یا میزان فساد در کشور میزبان سرمایه گذاری مستقیم خارجی درون ریز را کاهش می دهد. این یک تحقیق مقطعی است که بر اساس داده های سال ۱۹۹۳ می باشد.

مقاله های دیگر مخصوصاً مقاله ی ویلر و مادی ( ۱۹۹۲ ) و هاینز ( ۱۹۹۵ ) هم همبستگی میان فساد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی را

مطالعه کرده اند. مقاله های تجربی و نظری کمی وجود دارند که تاثیر رسوم دموکراتیک بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی را مورد مطالعه قرار داده باشند. رسنیک ( ۲۰۰۱ ) و رسنیک و لی ( ۲۰۰۳ ) دریافتند که میزان دموکراسی بر جریان های سرمایه ی خارجی تاثیر منفی دارد. البته حمایت از حقوق مالکیت بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر مهمی دارد. این مباحث را در بخش ۴ بیشتر بررسی می کنیم.

### ۳- مدل تجربی

هدف این بخش خلاصه کردن مدلی است که برای آزمون تجربی تاثیر متغیرهای مذکور بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بکار گرفته شد. روش داده های تابلویی که ما استفاده کردیم اجازه ی تغییر در ویژگی های مربوط به این کشورها را هم بطور مقطعی و هم در طول زمان می دهد. تابلو شامل ۲۹ کشور ( در ضمیمه آمده اند ) است که بیشتر آنها بازارهای در حال ظهور و

اقتصادهای در حال رشد طی سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۰ هستند.

معادله ی رگرسیونی که برای ارزیابی مدل بالا استفاده شده بدین قرار است:

$$Y_{it} = \beta x_{it} + \lambda W_{it} Z_{it} + v_{it} \quad i = 1, \dots, 29; t = 1, \dots, 20$$

که در آن

$$v_{it} = \alpha_i + u_{it} \quad \alpha_i \approx N(0,1) \quad u_{it} \approx N(0, \sigma_u^2)$$

$Y_{it}$  متغیر وابسته است و به عنوان میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی درون ریز خالص کشور  $i$  در بازه ی زمانی  $t$  اندازه گیری می شود.

$X_{it}$  بردار ویژگی های آماری کشوری است که بر جریان درون ریز سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر می گذارد. اولین سری مهم ویژگی ها به بازار محلی مربوط می شود. اندازه ی بازار با  $GDP$  کشور میزبان یا رشد  $GDP$  اندازه گیری می شود. این موضوع بر اهمیت بازار بزرگ جهت استفاده ی کارآمد از منابع و توضیح اقتصادهای معیار تاکید می کند. انتظار می رود که میان  $GDP$  و جریان درونی سرمایه

گذاری مستقیم خارجی رابطه ی مثبتی وجود داشته باشد.

رابطه ی میان هدایت تعادل تجارت و درون ریز سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشور میزبان می تواند پیچیده باشد. مازاد معاملات نشان دهنده ی اقتصاد قوی می باشد و ممکن است جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی درونی را تقویت کند. کسری معاملات، سرمایه گذاری مستقیم خارجی درونی را در نتیجه ی سیاست های گوناگونی صادرات و جانشین سازی واردات تحریک می کند (لوانتوس ۲۰۰۴). همچنین ما از یک مقیاس دیگر آزادی استفاده کردیم که میزان واردات به عنوان کسر  $GDP$  است. هرچه میزان آزادی بیشتر باشد جریانهای مورد انتظار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر خواهند بود. دوم اینکه ملاحظات هزینه ی کشور میزبان هم می تواند یک عامل باشد. برای گرفتن این تاثیر می توانیم هم از هزینه ی نیروی کار (دستمزدهای ساعتی که با سودمندی ساعتی تصحیح شده

اند) یا ارزش افزوده برای هر کارگر استفاده کنیم. انتظار می رود که سودمندی نیروی کار مستقیماً بر توانایی کشور میزبان برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر بگذارد. سوم اینکه عواملی که بر عملکرد کلی مالی کشور تاثیر می گذارند مثل میزان تورم یا کسری بودجه ی دولت کشور میزبان را به حساب آوردیم. تورم بالا مانع سرمایه گذاری مستقیم خارجی درونی می شود. مطالعات دیگر (روت و احمد ۱۹۷۹) دریافتند که سرمایه گذاری در خدماتی مثل بانکداری یا مخابرات هم بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر مثبت دارد. ما از گسترش خطوط تلفن برای کنترل این تاثیر استفاده خواهیم کرد. در میان عوامل اجتماعی که ممکن است مهم باشند می توانیم از نسبت سواد و میزان شهریت استفاده کنیم. هر دوی این عوامل بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان تاثیر مستقیمی دارند.

در پایان عوامل سیاسی مربوط به میزان فساد در کشور میزبان را مورد توجه قرار دادیم چون فساد گسترده سختی هایی را بر هدایت موثر داد و ستد تحمیل می کند. تا اینجا ما از شاخص میزان احساس فساد (CP) که با TI گسترش داده شده استفاده کردیم. شاخص فساد TI ابتکاری است که توسط سازمان غیر دولتی بین المللی برلین، TI و دکتر جان گراف اقتصاد دان دانشگاه گاتینگن مورد استفاده قرار گرفت. این شاخص «مجموع آراء» است و نمایانگر متوسط امتیازی است که تاجران و روزنامه نگاران اقتصادی هنگام رای دادن در زمینه های مختلف به کشورها داده اند. ۱۰ یعنی کشوری کاملاً پاک و صفر یعنی کشوری که تعاملات تجاری در آن همراه با حق و حساب و زورگیری است. داده های سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۵، ۱۹۸۸-۱۹۹۲ و ۱۹۹۵-۲۰۰۰ موجود می باشند. البته در دو دوره ی اول هیچ تغییری در شاخص وجود ندارد.

ما همچنین شاخص ماکزیمم

نسبت مالیات و شاخص کنترل سرمایه را لحاظ کردیم که کشورها را بر اساس میزان مالیات آنها و سیاست های مربوط به جریانهای سرمایه طبقه بندی می کنند. داده های شاخص ماکزیمم نسبت مالیات حداقل درآمد و شاخص کنترل سرمایه از موسسه ی فرازر گرفته شدند. درجات بالاتر برای کشورهایی است که مالیات کمتر دارند. IMF (صندوق پول بین المللی) ۱۳ نوع مختلف کنترل های سرمایه را گزارش می دهد. این بخش بر اساس تعداد کنترل های سرمایه ای است که به آنها مالیات تعلق گرفته. طبقه بندی صفر تا ۱۰ با کم کردن تعداد کنترل های سرمایه از ۱۳ و تقسیم جواب بر ۱۳ و ضرب در ۱۰ انجام می شود. از این رو درجات پایین تر برای کشورهایی است که بیشترین کنترل های سرمایه را دارند.

Zit بردار شرایط کاری در کشورهای همسایه است و متغیرهایی مانند شاخص میزان احساس فساد (CP) و شاخص دموکراسی را در بر می گیرد.

#### ۴- شرح داده ها

مقیاس جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی شامل جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی خالص است و نشان دهنده ی سرمایه گذاری درونی توسط افراد خارجی است و اینکه سرمایه گذاری کمتری خارج از کشور توسط افراد خارجی صورت می گیرد. ( برای دیدن لیست کشورهای نمونه به ضمیمه مراجعه کنید). از این رو اندونزی بین سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی منفی دارد چون پولی که سرمایه گذاران خارجی از کشور خارج می کنند بیشتر از پولی است که وارد می کنند. همانطور که در شکل ۱ و جدول ۱ نشان داده شده طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای بیشتر کشورهای نمونه بالا رفت. بطور متوسط بالاترین درون ریزها به آسیای جنوبی رفته اند. متوسط فساد درک شده در این نواحی با مناطق دیگر تفاوت چشمگیری ندارد. بهر حال یک ناحیه

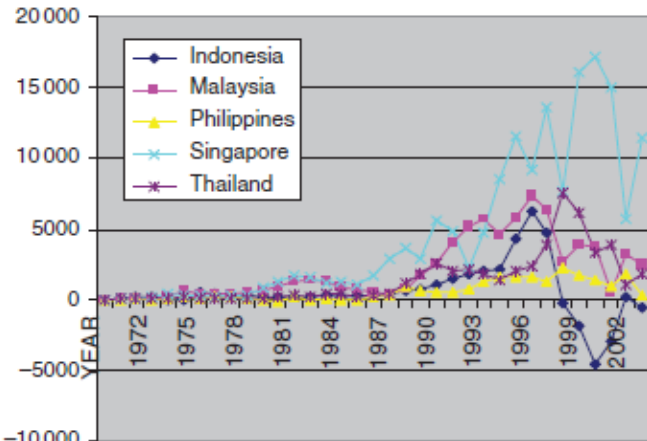
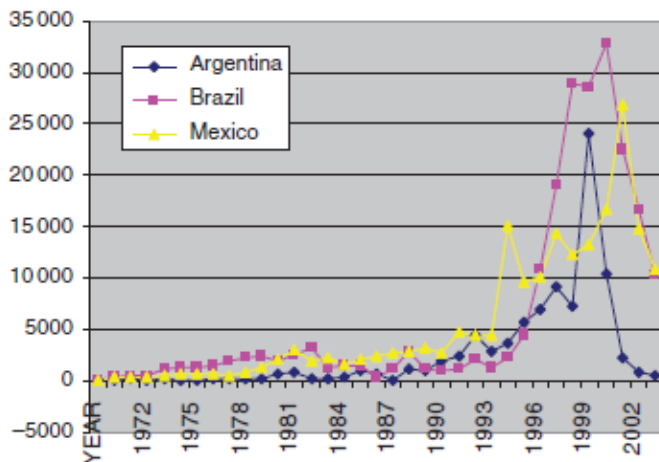
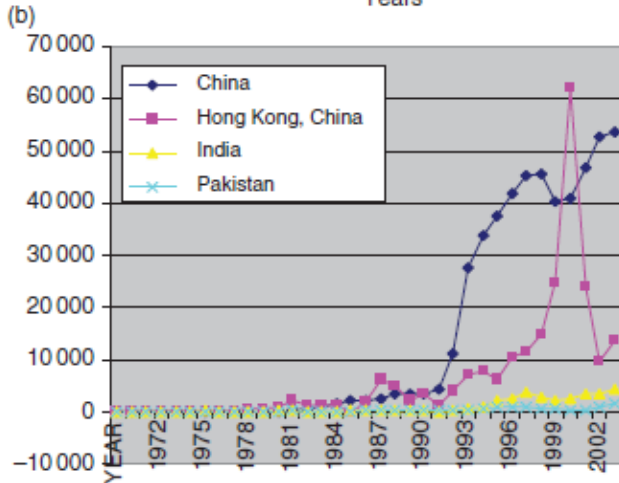
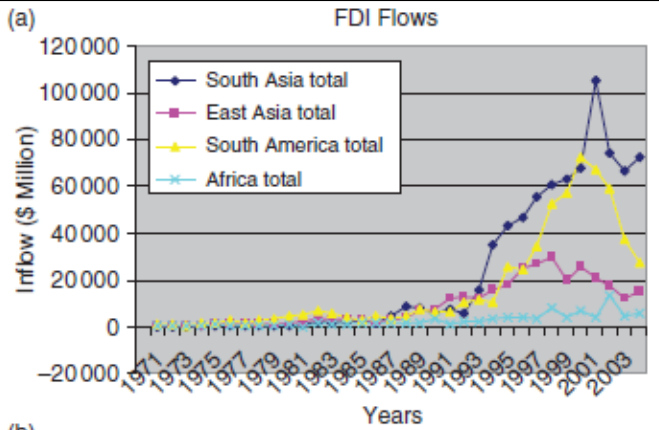


Fig. 1. Regional FDI inflows: (a) across region flows (millions US dollars); (b) within region flows

برحسب میزان رشد  $GDP$  و بهره وری کارگران بالا تر از بقیه نواحی قرار می گیرد. این امر می تواند جذابیت این ناحیه را به عنوان مقصد بالقوه ی سرمایه گذاری مستقیم خارجی توضیح دهد چون سرمایه گذاران از رشد سریع اندازه ی بازار و نیروی کار ارزان و کارآمد نفع می برند.

با مطالعه ی الگوهای جریانهای محلی در شکل 1a دریافته ایم که در دهه ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میان جریانهای جنوب آسیا، جنوب آمریکا و شرق آسیا همبستگی مثبت بالایی وجود داشته. این همبستگی میان جنوب و شرق آسیا قوی تر (۰.۶۷) از جنوب آسیا و جنوب آمریکا (۰.۳۵) و حتی شرق آسیا و جنوب آمریکا (۰.۵۵) در دهه ی ۱۹۸۰ بوده. در دهه ی ۱۹۹۰ بعلاوه بحران های شرق آسیا که خیلی روی جنوب آسیا تاثیر نگذاشتند همبستگی جریانها بیشتر از جنوب آسیا و جنوب آمریکا (۰.۸۳) با شرق آسیا بود.

مطالعه ی جریانهای درون مناطق در شکل 1b، کشورهای جنوب آسیا مثل هند، چین و پاکستان عموماً همبستگی مثبت و کمی در درون ریزه های سرمایه گذاری مستقیم خارجی نشان می دهد هرچند که چین بخاطر بزرگی جریانهای آن برجسته است ( به نظر می رسد که هنگ کنگ جدا از ۳ کشور دیگر است که گاهی اوقات روندهای مخالفی در مقایسه با چین نشان می دهند). این موضوع



برای جنوب آمریکا هم صدق می کند. بهر حال بنظر می رسد که کشورهای شرق آسیا در بعضی سالها برای جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی با یکدیگر رقابت می کنند. برای مثال سال ۱۹۹۹ در حالی که نزول شدیدی در جریانهای سنگاپور و مالزی رخ داد اما در جریانهای فیلیپین و تایلند افزایش وجود داشت. همچنین در سال ۱۹۹۵ وقتی مالزی و اندونزی کاهش در جریانها را تجربه می کردند سنگاپور افزایش در جریان را تجربه کرد.

### ۵- نتایج اقتصاد سنجی

فساد و سرمایه گذاری در شرایط فrazمانی  
 تابلو مرکب از ۲۹ کشور است که بازارهای در حال ظهور و اقتصادهای در حال توسعه طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ را شامل می شود. حجم نمونه با نبود داده ها محدود می شود. ارزش های شاخص میزان احساس فساد (CP) برای بعضی سالها موجود نمی باشد. ما برای داده

های از دست رفته داده های سال های اخیر را جایگزین کرده ایم تا سری ها را پیوسته کنیم. متغیر وابسته در سری اول نتایج که در جدول ۲ گزارش شده اند درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی کلی به یک کشور میزبان خاص است که از ویژگی هایی که توسط دیگر نویسندگان مورد استفاده قرار گرفته پیروی می کنند. جدول ۲ با ساده ترین ویژگی های معادله ای که درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را تعیین می کنند شروع می شود.

Table 1. Sample summary statistics

	Number of observations	Mean	SD
<i>FDI inflow (\$ million)</i>			
South Asia	136	5608.55	12848.75
East Asia	170	1844.67	3128.64
South America	272	1766.26	4675.74
Africa	204	437.73	745.62
<i>CP</i>			
South Asia	67	3.78	1.89
East Asia	97	3.87	2.81
South America	110	2.96	1.13
Africa	69	3.13	2.25
<i>Democracy</i>			
South Asia	72	0.380	0.277
East Asia	120	0.484	0.176
South America	216	0.684	0.177
Africa	144	0.368	0.236
<i>GDP growth</i>			
South Asia	83	6.61	3.37
East Asia	103	5.68	4.64
South America	166	2.18	4.53
Africa	124	2.81	4.98
<i>Value added per person</i>			
South Asia	79	147.63	34.14
East Asia	100	129.44	41.63
South America	80	89.02	9.17
<i>Trade/GDP</i>			
South Asia	83	80.53	94.20
East Asia	100	134.80	116.20
South America	166	42.67	15.57
Africa	115	60.24	19.58

تاثیرات تصادفی رگرسیون *GLS* (کمترین مجذور کلی) درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ویژگی های متعدد اقتصادی و سیاسی کشور میزبان بیان می کند که اندازه ی بازار و میزان رشد *GDP*، بهره وری نیروی کار و میزان معاملات کشور میزبان مبین های مهم توانایی کشور میزبان برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی هستند. ما از ویژگی های تاثیرات تصادفی استفاده می کنیم چون در تغییر سری های زمانی

گروه (کشور) در شاخص فساد محدودیت وجود دارد. ارزشهای این شاخص بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ بدون تغییر باقی ماندند و تنها بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ یک تغییر سالیانه اتفاق افتاد. تحمیل یک روش شناسی تاثیرات ثابت می تواند شرایط سختی را بر همانند سازی تحمیل کند. قابل ذکر است که متغیر مبادله در این تحقیق شامل مجموع صادرات و واردات است برعکس

دیگر مطالعات که در آنها محقق معادله ی مبادله را به عنوان مقیاس آزادی بکار می برد. ضریب این متغیر همانطور که توسط دیگر نویسندگان معلوم شد، مثبت است. این نتیجه وقتی که از واردات به عنوان کسر *GDP* استفاده می کنیم هم صحیح است، این مقیاس عموماً در مطالعات مورد استفاده قرار می گیرد. در نتایج دیگری که نشان داده نشده اند میزان سواد افراد بالغ کشور میزبان را به عنوان متغیر توضیحی بکار گرفتیم. ضریب مثبت

Table 2. FDI and corruption

Dependent variable	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)
Independent variables	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)
log(GDP growth)	0.362*** (0.104)	0.302*** (0.090)	0.378*** (0.102)	0.320*** (0.088)	0.327*** (0.086)
log(GDP)	0.586*** (0.094)	0.740*** (0.083)	0.552*** (0.093)	0.716*** (0.080)	0.725*** (0.083)
Value added per person	0.007** (0.003)	0.010*** (0.002)	0.006** (0.003)	0.009*** (0.002)	0.009*** (0.002)
Trade/GDP	0.006*** (0.002)	0.0004 (0.002)	0.005*** (0.002)	-0.0005 (0.001)	-0.0002 (0.001)
Low tax rate		0.116*** (0.031)		0.114*** (0.030)	0.113*** (0.030)
Fewer cap. controls		0.222*** (0.037)		0.222*** (0.036)	0.222*** (0.036)
Telephone lines	-0.0002 (0.013)	0.006 (0.011)	0.010 (0.014)	0.018 (0.010)	0.007 (0.011)
CP	0.160*** (0.051)	0.095** (0.045)	0.141** (0.056)	0.094** (0.043)	0.101** (0.047)
Own region CP			-0.362** (0.174)	-0.225*** (0.064)	-0.160 (0.147)
Other region CP			-0.578 (0.726)		0.315 (0.613)
Region dummies	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Number of observations	209	209	204	204	124
Overall R-square	0.7259	0.7400	0.4043	0.4541	0.4742

Notes: All specifications are estimated using a random effects GLS model, allowing for region and time dummies. \*\*\* and \*\* denote significance at 1 and 5% levels, respectively.

و معنی دار است. تنها متغیری که زیرساخت آن کشور را بدست آورده گسترش خطوط تلفن است. ضریب این متغیر معنی دار نیست. در بعضی از ویژگی ها با استفاده از یک متغیر اضافه ی دیگر، GROSS

INV، که به میزان سرمایه گذاری ثابت در کشور مربوط می شود برای زیرساختها یک جایگزین قرار دادیم. ضریب مثبت و معنی دار بود.

یکی از متغیرهای اصلی سود شاخص میزان احساس فساد (CP) است. شکل ۲a نقشه ی پراکندگی تصویری طبقه بندی کشور با این شاخص را برای دو سال ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ نشان می دهد. مجدداً هرچه شاخص بالاتر باشد از نظر سرمایه گذاران خارجی فساد کمتری در کشور وجود دارد. همانطور که از نمودار معلوم است طبقه بندی بعضی کشورها مانند چین، مالزی، آرژانتین و برزیل در سال ۲۰۰۰ بدتر از سال ۱۹۸۰ بود.

ضریب میزان احساس فساد (CP) بزرگ، مثبت و معنی دار است. از این رو فساد درک شده در کشور میزبان بطور چشمگیری مانع سرمایه گذاری می شود. اهمیت کمی این ارزیابی را می توان به طریق زیر محاسبه کرد. چون متغیر میزان احساس فساد (CP) بدون تغییر ثبت شده الزاماً انعطاف پذیری ناقص را اندازه گیری می کنیم. از

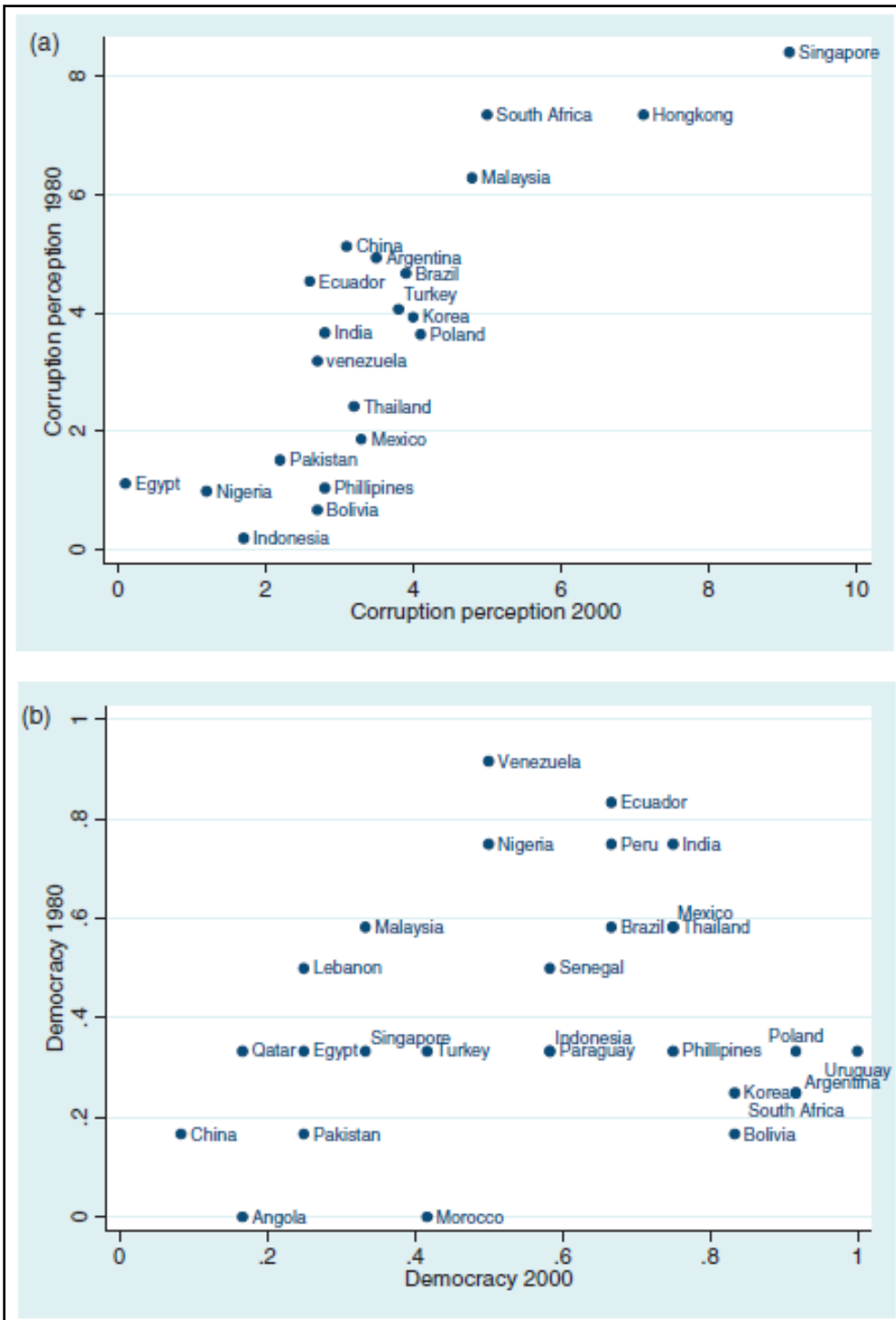


Fig. 2. Democracy and corruption indices, country scores: (a) CP index<sup>a</sup>; (b) democracy index<sup>b</sup>  
 Notes: <sup>a</sup>Higher scores represent less corruption. <sup>b</sup>Higher scores represent more democratic countries

این رو به عنوان مثال اگر اندونزی باید فساد را تا حد سنگاپور کاهش می داد یک افزایش صد درصدی در درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی می دید.

ویژگی ۲ شامل بعضی متغیرهای جدید در رگرسیون قبلی است تا قدرت علامت میزان احساس فساد (CP) را کنترل کند. علامت و اهمیت متغیرهای وابسته تغییر نمی کند. متغیرهای جدید شرایط اقتصادی و سرمایه گذاری مانند حداکثر میزان مالیاتی که سرمایه گذاران با آن مواجه هستند و کنترل های سرمایه که کشورها بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تحمیل می کنند را بدست می آورند. قابل توجه است که هر دوی این متغیرها نمایانگر طبقه بندی های کشورها بر اساس این شاخص ها است. از این رو کشوری که رده بندی بالاتری دارد نسبت مالیات کمتری دارد و یک مقصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذاب است. همچنین کشوری که میزان بالای کنترل سرمایه دارد در

حقیقت تعداد کمتری از این کنترل ها را دارد و از این رو انتظار می رود که درون ریزهای بیشتری دریافت کند.

در ویژگی های دیگری که در جدول ۲ نشان داده شده تجربیات زیر را انجام دادیم. در رگرسیون درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی، میزان احساس فساد (CP) کشور میزبان، میزان احساس فساد (CP) ناحیه ی آن کشور و میانگین میزان احساس فساد (CP) برای تمام مناطق نمونه را گنجاندیم. برای تمام متغیرها به نتایج معنی داری رسیدیم. میزان احساس فساد (CP) کشور مثبت و معنی دار ماند، میزان احساس فساد (CP) منطقه منفی و در ۵٪ معنی دار بود در حالی که میزان احساس فساد (CP) مناطق دیگر منفی و بی معنی بود. از این رو به نظر می رسد که روابط درونی بسیاری در جریانها باشد، حداقل در یک منطقه ی یکسان.

### تاثیر چین

در جدول ۳ تاثیر میزان احساس فساد (CP) چین بر تمام مناطق را معلوم کرده ایم. در ویژگی ۱ در جدول ۲ ما به سادگی میزان احساس فساد (CP) چین را به عنوان متغیر توضیحی در معادله ی رگرسیون گنجانده ایم. ضریب منفی است و معنی دار و به این معناست که بهتر شدن تصویر چین در نظر سرمایه گذاران می تواند پیامدهای نامساعدی برای دیگر کشورها داشته باشد. برای دیدن بهتر تاثیر هر منطقه ویژگی ۲ در جدول ۳ با بدل هر منطقه و با متغیری که میانگین میزان احساس فساد (CP) منطقه را اندازه گیری می کند در تعامل است. همچنین بدل هر منطقه با میزان احساس فساد (CP) چین هم تعامل دارد. برای هر کشور خاص میانگین میزان احساس فساد (CP) در منطقه شامل میزان احساس فساد (CP) تمام همسایگان در منطقه است بجز خود آن کشور چون هیچ کشوری با خودش همسایه نیست. ضریب برای جنوب آسیا منفی و معنی دار، برای جنوب آمریکا مثبت

و معنی دار و برای شرق آسیا مثبت و بی معنی است. کشورهایمانند هند و چین در جنوب آسیا برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی با یکدیگر رقابت می کنند در حالی

که جریانهای جنوب آمریکا بیشتر با هم همبستگی دارند.

بهرحال تاثیر چین بر هر یک از این مناطق منفی است و نتایج ویژگی ۱ را تایید می کند.

قابل ذکر است که این نتایج برای در بر گرفتن همسایه های منطقه ای بیشتر، قوی هستند.

برای مثال در منطقه ی شرق آسیا ما ویژگی های اضافی را امتحان کردیم و تایوان و ویتنام

که مبادلات و سرمایه گذاری درون مرزی زیادی دارند را به عنوان همسایگان در نظر گرفتیم.

این هیچ تاثیری بر نتایج ندارد. همچنین ما بررسی کردیم که آیا در بر گرفتن کشورهای توسعه یافته ی خاصی مثل آمریکا و

انگلستان نتایج ما را تغییر خواهند داد. در حالی که در نظر

گرفتن شاخص میزان احساس فساد (CP) انگلستان و آمریکا به عنوان متغیر توضیحی مازاد باعث ضریب منفی و معنی دار برای آن متغیر خواهد شد و به این معنا است که سرمایه گذاری به میزان احساس فساد (CP) کشورهای توسعه یافته حساس است، ضریب تنها در ۱۰٪

Table 3. Impact of China CP on FDI flows

Dependent variable	(1)	(2)
	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)
log(GDP growth)	0.256*** (00.096)	0.362*** (0.095)
log(GDP)	0.263*** (0.095)	0.345*** (0.091)
Value added per person	0.003 (0.003)	0.004* (0.002)
Trade/GDP	0.006*** (0.001)	0.003** (0.001)
Telephone lines	0.008 (0.011)	0.025** (0.012)
CP	0.094* (0.050)	0.151*** (0.048)
China CP	-0.495*** (0.116)	
S.Asia * Own region CP		-0.508*** (0.151)
S.America * Own region CP		0.602*** (0.176)
E. Asia * Own region CP		-0.143 (0.099)
S.Asia * China CP		-0.246*** (0.064)
S.America * China CP		-0.413*** (0.152)
E. Asia * China CP		-0.307 (0.155)
Number of observations	209	209
Overall R-square	0.4540	0.7781

Notes: All specifications are estimated using a random effects GLS model, allowing for region and time dummies as appropriate. \*\*\*, \*\* and \* denote significance at 1, 5 and 10% levels, respectively.

معنی دار بود. بعلاوه تاثیر *CPI* کشور و *CPI* منطقه همانند قبل معنی دار است.

نتایج این بخش توضیح می دهند که درک سرمایه گذاران از فساد کشور میزبان یک تعیین کننده ی بزرگ جریانهای سرمایه گذاری است. ثابت ماندن بقیه موارد و افزایش هزینه ی فساد انجام تجارت، باعث می شود سرمایه گذاران در محیط هایی که فساد کمتری دارند سرمایه گذاری کنند.

## ۶- سرمایه گذاری مستقیم خارجی و دموکراسی

این بخش تاثیر رسوم دموکراتیک بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه را توضیح می دهد. در حالی که تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر دموکراسی توجه اقتصاد دانان و عموم را به خود جلب کرده تاثیر متضاد دموکراسی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی خیلی مورد مطالعه قرار نگرفته. مقاله هایی که نزدیک به مقاله ی ماست مقاله های

رسنیک (۲۰۰۱)، هارمز و ارسپرانگ (۲۰۰۲)، جنسن (۲۰۰۳) و رسنیک و لی (۲۰۰۳) می باشند.

رسنیک و لی (۲۰۰۳) بحث می کنند که رسوم دموکراتیک بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر رقابتی دارند. از یک طرف مشارکت های سیاسی و نمایندگی شهروندان عام در کنگره حمایت از حقوق مالکیت قابل اعتماد را تضمین می کند. از طرف دیگر قیود دموکراتیک بر سیاست مداران منتخب جایگاه انحصاری شرکت های چند ملیتی را تضعیف می کند. نتایج تجربی آنها بیان می کنند که شرکت های دموکراتیک با کنترل حمایت از حقوق مالکیت درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کاهش می دهند.

هارمز و ارسپرانگ (۲۰۰۱) به نتایج متضادی رسیدند. با نمونه ای از ۶۵ کشور در حال توسعه به این نتیجه رسیدند که سرمایه گذاران بیشتر تمایل به سرمایه گذاری در کشورهایی دارند که برای آزادی

های سیاسی و مدنی ارزش قائل هستند. جنسن (۲۰۰۳) هم تاثیر مثبت معنی دار دموکراسی بر درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را دریافت.

## دموکراسی و فساد

مقیاس دموکراسی ما از *freedom house* و شاخص آزادی در جهان بدست آمده. این منبع یک طبقه بندی نظری از کشورها ارائه می دهد که بر اساس مقیاس ۱ تا ۷ آزادی های مدنی و حقوق سیاسی است و ارزشهای بالاتری که به معنای آزادی کمتر هستند. این امتیازهای کلی بر اساس امتیاز هر کشور در ۷ زیر مقوله است: فرایند سیاسی، کثرت گرایی و مشارکت سیاسی، عملکرد دولت (از جمله شفافیت و فساد)، آزادی بیان و باور، حقوق شرکتی و سازمانی، حاکمیت قانون و استقلال فردی و حقوق شخصی.

ما طبق نظر رودریک (۱۹۹۹) این دو طبقه بندی را با هم در یک شاخص ترکیب می کنیم که



ارزشهای آن از صفر تا ۱ است و این کار را با تغییر ۱۲ انجام می دهیم . متغیر تغییر داده شده ارزشهای بیشتر برای کشورهای دموکراتیک تر را نشان می دهند. سری های زمانی همساز برای این متغیر از ۱۹۷۰ موجود می باشند. شکل ۲b نقشه ی پراکندگی جزئی کشورها و شاخصهای آنها در ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ را نشان می دهد. تغییرات زیادی در نمونه ی ما وجود دارد. در حالی که بعضی کشورها این شاخص را پایین

آورده اند ( دموکراسی آنها کمتر شده مثل ونزوئلا، اکوادور، مالزی و چین) و بقیه بالاتر از این شاخص هستند ( پاکستان، موراگو، برزیل، سنگال و کره ی جنوبی). نتایج ما با این مقیاس در جدول ۴ آورده شده اند. مدل ۱ از ویژگی های مشابهی که برای متغیر میزان احساس فساد (CP) در جدول ۲ داشتیم استفاده می کند بدون متغیر میزان احساس فساد (CP). کشورهای دموکراتیک تر با کنترل

میزان توسعه ی اقتصادی و رشد و میزان آزادی تجارت ( در میان دیگر متغیرها) درون ریزهای خارجی کمتری را جذب می کنند. میزان متغیر دموکراسی منفی است و در ۱٪ معنی دار است این نتیجه مشابه نتایج رسنیک (۲۰۰۱) و رسنیک و لی (۲۰۰۳) است. با گنجاندن متغیر میزان احساس فساد (CP) در ویژگی ۲ نتیجه ی مشابهی بدست آمد. ارزیابی های ضریب تاثیرات بزرگ کیفی را پیشنهاد می کنند.

Table 4. FDI, democracy and corruption

Independent variables	(1)	(3)	(4)	(5)
Dependent variable	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)	log(FDI inflow)
log(GDP growth)	0.261* (0.101)	0.323*** (0.087)	0.299*** (0.088)	0.177* (0.093)
log(GDP)	0.749*** (0.084)	0.465*** (0.079)	0.564*** (0.082)	0.611*** (0.089)
Value added per person	0.004*** (0.003)	0.006*** (0.003)	0.005*** (0.002)	0.002 (0.002)
Trade/GDP	0.008*** (0.001)	0.001 (0.001)	-0.001 (0.001)	0.001 (0.001)
Low tax rate			-0.019** (0.009)	-0.020** (0.010)
Fewer cap. controls			0.150*** (0.037)	0.162*** (0.039)
Telephone lines	0.041* (0.022)	-0.055*** (0.021)	-0.022 (0.020)	0.008 (0.019)
CP		0.449*** (0.082)	0.229*** (0.049)	
Democracy	-1.985*** (0.346)	-0.831 (0.599)	-1.82*** (0.318)	-1.730*** (0.010)
CP * Democracy		-0.422** (0.166)		
Legal system and property rights				0.260*** (0.056)
Region dummies	Yes	Yes	Yes	Yes
Number of observations	202	191	179	185

Notes: All specifications are estimated using a random effects GLS model, allowing for region and time dummies. In Specifications 4 and 5 we use the top statutory corporate tax rate derived from the AEI International Tax Database, instead of the tax index obtained from the Fraser Institute. Hence the sign change. \*\*\*, \*\* and \* denote significance at 1, 5 and 10% levels, respectively.

برای مثال تغییر از میزان دموکراسی در چین به میزان آن در هند با استفاده از ویژگی ۲ در جدول ۴ باعث می شود چین ۱۳۲٪ سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دست دهد. نتیجه ی مشابه برای شاخص میزان احساس فساد (CP) هم بیان می کند که اگر هند در شاخص فساد در حد چین بهبود داشته تاثیر مشابه بر درون ریزها هم افزایش ۲۷ درصدی خواهد بود. از این رو کشورهایی که ایده آل های دموکراتیک را دنبال می کنند می توانند با بهبود جو تجاری برای سرمایه گذاران از طریق سیستمهای شفاف، قوانین و فرایندها، بروکراسی های کارآمدتر و رشوه دهی کمتر و زور بگیری و غیره تمایلات خود را تعدیل کنند.

متغیر میزان احساس فساد (CP) می تواند تا حدودی از حقوق مالکیت شخصی حمایت کند و می تواند با میزان دموکراسی همبستگی داشته باشد. البته همبستگی همزمان میان دو متغیر در ۰.۰۱۴۹ تقریباً پایین است. در حقیقت

رگرسیون شاخص حقوق مالکیت ( و شاخص میزان احساس فساد (CP) بطور مجزا ) ، کنترل میزان پیشرفت اقتصادی بر سطح دموکراسی ( و GDP) در شاخص دموکراسی هیچ ضریب معنی داری را نشان نداد.

در ویژگی ۳ دو متغیر میزان احساس فساد (CP) و دموکراسی را بر هم کنش دادیم. با کنترل میزان فساد تاثیر آن بر جریانهای کشوری که دموکراتیک تر می شود چیست؟ ضریب منفی این متغیرهای کنشی نشان می دهد که با میزان یکسان فساد ، کشوری که دموکراتیک تر است نسبت به کشوری که دموکراسی کمتری دارد درون ریزهای خارجی کمتری دریافت می کند. برای بررسی آنچه که موجب این نتیجه می شود سعی کردیم کشورهایی با میزان یکسان احساس فساد (CP) را با هم مقایسه کنیم. برای مثال هند و چین هر دو متوسط میزان احساس فساد (CP) کمتر از ۴ را دریافت کردند. اما آنها از نظر ساختارهای سیاسی بسیار با هم متفاوت هستند : در حالی که

دولت چین مانند دیکتاتوری عمل می کند، سیستم دولت هند دموکراسی است و احزاب سیاسی متعدد، انتخابات و رای گیری گسترده دارد. متوسط جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به چین در طی این دوره ۱۷ برابر هند بود. اگر از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان کسر GDP استفاده کنیم آنگاه این عدد نزدیک ۱۴ خواهد بود. یک توضیح برای این موضوع اینست که دولت چین قادر بود که مشوق های مالی و بودجه ای بیشتری نسبت به دولت هند ارائه دهد. در هند اعتقاد بر این است که سرمایه ی خارجی در تضاد با نفع افراد فقیر است. در نتیجه فرایند باز گذاشتن بخشها برای سرمایه گذاری خارجی خیلی کند بود و دولت های بعدی باید طبقه ی کارگر و کشاورزان را آرام می کردند تا این فرایند را پیش ببرند.

در ویژگی ۵ بررسی می کنیم که آیا نتایج دموکراسی و میزان احساس فساد (CP) برای در بر گرفتن شاخص میزان مالیات و



کنترل های سرمایه شدید است، که البته اینگونه هم هست. این کار را با مقیاسهای مختلف میزان مالیات انجام می دهیم که بالاترین میزان مالیات مشترک قانونی در کشور است. یک سری از مقاله ها تاثیر منفی معنی دار این متغیر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در یافتند و نتایج ما هم این یافته ها را تایید کرد. در دنیای پویایی سرمایه ی بین المللی میزان مالیات مشترک بالا مانع ریزش سرمایه از کشورهایی با مالیات بالا به کشورهایی با مالیات پایین می شود.

حمایت از حقوق مالکیت و فساد در ویژگی آخر جدول ۴ با استفاده از شاخص حمایت از حقوق مالکیت یک بعد دیگر را اضافه می کنیم که از شاخص جهانی آزادی اقتصادی موسسه ی فرارز (در سالهای مختلف) گرفته شده. این شاخص بین صفر تا ۱۰ متغیر است و ارزشهای بالاتر نشان دهنده ی حمایت بیشتر هستند. همانطور که ما احتمال می دادیم و قبلاً هم

توسط رسنیک و لی (۲۰۰۳) معلوم شد ضریب حمایت از حقوق مالکیت و سیستم های قانونی مثبت و معنی دار است. از این رو سرمایه گذاران به کشورهایی اهمیت می دهند که حمایت از حقوق مالکیت را تضمین می کنند و این حقوق در دادگاه قابل اجرا هستند. این موضوع کمک می کند توضیح دهیم که چرا کشورهای مثل چین و سنگاپور که رتبه ی آنها در شاخص دموکراسی ضعیف است اما شاخص حمایت از حقوق مالکیت آنها بالاست (>۵) در زمینه ی درون ریزهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی خوب عمل می کنند.

همچنین این متغیر با مقیاس میزان احساس فساد (CP) ما بسیار همبسته است و ضریب همزمان آن ۰.۷ است. از این رو اولین مقاله ای است که نشان می دهد این مقیاس با مقیاسهای آزادی اقتصادی مثل حمایت از حقوق مالکیت همبستگی مثبت دارد. فساد هم با پویایی سرمایه و آزادی تجارت همبستگی مثبت دارد و ضریب

همبستگی آن ۰.۵ است. از این رو کشورهایی که فساد کمتر دارند آزادی اقتصادی در آنها بهتر اجرا می شود. پس ما میزان احساس فساد (CP) را از این ویژگی حذف می کنیم.

این نتایج با هم یافته های جالبی را نشان می دهند. برای درک بهتر اینکه چرا متغیر دموکراسی بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی تاثیر منفی دارد باید به یاد آوریم که این متغیر مقیاس حقوق سیاسی و آزادی های مدنی است. همچنین تنها با مقیاسهای آزادی اقتصادی همبستگی دارد. برای مثال همبستگی میان دموکراسی و حقوق مالکیت (و کنترل های سرمایه) نزدیک به ۰.۱ است که برای آزادی تجارت کم و منفی است. از این رو مهیا کردن حقوق سیاسی و مدنی بطور اتوماتیک آزادی های اقتصادی را تضمین نمی کنند.

در ویژگی رگرسیون مان می توانیم حداقل ۴ متغیر را مشخص کنیم که متغیرهای اقتصادی مرتبط

با سرمایه گذاران را بدست می آورند: شاخص میزان مالیات یا بالاترین میزان مالیات مشترک ملی، شاخص کنترل های سرمایه که نشان می دهند سرمایه چگونه به سادگی می تواند درون و بیرون کشور جریان داشته باشد، مقیاس آزادی تجارت و در آخر شاخص حمایت از حقوق مالکیت. هریک از اینها یکی از اجزای طبقه بندی موسسه ی فرازر برای کشورها از نظر آزادی اقتصادی است. از این رو توضیح واضح تر نتایج ما اینست که سرمایه گذاران به آزادی اقتصادی بیشتر از هر چیز دیگری اهمیت می دهند. دموکراسی ها به هر اندازه که بتوانند آزادی اقتصادی بیشتری برای شهروندان خود فراهم کنند مکان جذاب تری برای سرمایه گذاران خواهند بود. باید توجه کرد که برخلاف رسنیک و لی معتقدیم که تمام اشکال آزادی های اقتصادی و نه تنها حقوق مالکیت برای تصمیمات سرمایه گذاری دارای اهمیت هستند.

همچنین باید نتایج خود را با

احتیاط تفسیر کنیم. اول اینکه نمونه ی ما شامل دوره های زمانی و کشورهایی مانند مکزیک و اقتصادهای جنوب شرق آسیا است که بحران های پولی و بانکداری ای دیده اند که بر میزان سرمایه گذاری هایی که وارد کشور آنها شده و بر سیاست های اقتصادی آنها تاثیر گذاشته. در حالی که قسمتی از آن باید توسط تاثیرات کشور و بدل (*Dummy variable*) های زمانی و منطقه ای بدست آید اما نمی توان برای همه ی عوامل غیرقابل رویت به این طریق عمل کرد. دوم اینکه چون ما به اقتصادهای جدید در حال ظهور و در حال توسعه می پردازیم ممکن است نتایج دارای انحراف باشند چون رسوم دموکراتیک و بازارهای این کشورها هنوز در مرحله ی ابتدایی توسعه هستند. اگر بر اقتصادهای توسعه یافته با رسوم دموکراتیک جا افتاده، حقوق مالکیت و بازارهای آزاد تمرکز کنیم نتایج ما می توانند بطور چشمگیری تغییر کنند.

اجازه می دهد تا تاثیرات

«همسایگان» را در نظر بگیریم. در کل میانگین میزان احساس فساد (CP) در کشورهای همسایه با برخورد با همه ی کشورها بجز کشور میزبان به عنوان همسایگان بالقوه بر جریانهای کشور میزبان تاثیر معکوس می گذارد.

برای مطالعه ی تاثیر ویژه ی برجسته شدن چین به عنوان مقصد جذاب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نسبت به دیگر نواحی، میزان احساس فساد (CP) چین را به عنوان متغیر توضیحی اضافی برای جریانهای مناطق مختلف بکار گرفتیم. در بیشتر موارد چین تاثیر منفی بزرگی بر جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به دیگر کشورها دارد.

همچنین بر خلاف شهود رابطه

ای میان ظهور رسوم دموکراتیک و درون ریزهای خارجی دیدیم. کشورهای دموکراتیک تر با کنترل دیگر فاکتورها از جمله میزان احساس فساد (CP) درون ریزهای کمتری دریافت می کنند. فرض ما اینست که درحالی که کشورهای دموکراتیک ارائه ی حقوق سیاسی و مدنی به شهروندان را تضمین می کنند اما اینها تضمین آزادی اقتصادی مانند حمایت از دارایی شخصی، حق انتقال سرمایه درون و بیرون کشور یا توانایی تجارت آزاد در بازارهای جهانی نیست. سرمایه گذاران به کشورهایی اهمیت می دهند که از این حقوق حمایت می کند و این حقوق در دادگاههای آنها قابل اجرا است. این موضوع کمک می کند توضیح دهیم که چرا کشورهایی مثل چین و سنگاپور که

مقاله حاضر ترجمه ای است بر:

*Foreign direct investment, corruption and democracy*

*Aparna Mathur<sup>a</sup>, and Kartikeya Singh<sup>b</sup>*

*a. Department of Economics, American Enterprise Institute, 1150 Seventeenth*

*Street, NW, Washington 20036, USA*

*b. PricewaterhouseCoopers, 1800 Tysons Blvd, Mclean, VA 22102, USA*

*Applied Economics, 2013, 45, 991-1002*

برای مطالعه مطالب مشابه به آدرس زیر رجوع کنید:

تلنگر

<http://bamdadkhabar.com/تلنگر>

# منشأ پروسه ورشکستگی در قانون رم

استاسیس ولیویس<sup>۱</sup>، ویلیا میکوکینه<sup>۲</sup>

دانشگاه میکولس رومریس<sup>۳</sup>، دانشکده حقوق

گروه دادرسی مدنی

شماره ۲۰ آتیتیز<sup>۴</sup>، LT-۰۸۳۰۳ ویلنیوس، لیتوانی

: به منظور توضیح اهداف ورشکستگی، روشن شدن ماهیت حقیقی پروسه ورشکستگی و منشأ ضوابط حقوقی، لازم است بر ماهیت این اصل قانونی و نیز دلایل ایجاد و تدوین آن تأکید شود. این مقاله تحلیل تاریخی اصل پروسه ورشکستگی را ارائه می‌کند. بدین منظور در این مقاله برای یافتن قرینه‌های خاص در پروسه ورشکستگی قانون رم و پروسه ورشکستگی امروزی، یک پژوهشی تاریخی مقایسه‌ای را انجام می‌دهیم. قانون رم به عنوان فوق‌العاده‌ترین قانون کهن برای انجام تحلیل تاریخی تدوین پروسه ورشکستگی انتخاب شده است. از نظر نویسندگان، این روش بهترین نمونه ای است که منشأ پروسه ورشکستگی و دلایل شکل‌گیری آن را آشکار می‌کند. نویسندگان بواسطه‌ی تحلیل اصول خاص حقوق خصوصی قانون رم چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ویژگی‌های اصلی (یا اصول) پروسه ورشکستگی دقیقاً بر طبق قانون رم شکل گرفته‌اند: جایگزین شدن مسئولیت شخصی با ضمانت پولی؛ حراج عمومی به عنوان شکلی از نقد کردن اموال بدهکار؛ گذار از فروش کل اموال بدهکار به واگذاری اموال به صورت واحدهای مجزای اموال؛ در نظر گرفتن فردی که بر طبق پیمان عدم فعل خودخواهانه بر حراج اموال بدهکار نظارت دارد؛ تعیین دوره‌ی ۳۰ روزه‌ای که در طول آن بدهکار ملزم به تأمین دیون خود است (حل اختلاف دعاوی)؛ برقراری اصل قانونی مطلع کردن بستانکاران از شروع تشریفات بازیابی بدهی و ترغیب به پیوستن به این تشریفات؛ برقراری ممنوعیت بازیابی دیون از اقلام خانوار؛ پی ریزی اساس اصل توافق صلح بین بدهکار و بستانکاران وی؛ برقراری اکتیو پولینا<sup>۵</sup> (از جمله روش‌های جبران خسارت برای حفظ حقوق بستانکاران). در بسیاری از کشورها قوانین فوق‌الذکر نهایتاً به نحوی به قوانین حقوقی مربوط به روابط حقوقی مرتبط با ورشکستگی راه یافته‌اند.

**کلمات کلیدی: تدوین پروسه ورشکستگی، قانون رم.**

مقدمه	حل مسائل پیچیده‌ی متعدد را	اختلافات معقول نیست. در بررسی
اینطور نیست که تمام اختلافات	شامل باشند، بنابراین اعمال روش	دسته‌بندی‌های مختلف دعاوی
مدنی از اهمیت اجتماعی برخوردار و	حل اختلاف یکسان در تمام	مدنی، ضروری است که ویژگی‌ها با

توجه طبق ماهیت، پیچیدگی و اهمیت عمومی روابط مادی متمایز شوند. بررسی دعاوی مدنی با توجه به پیچیدگی دعاوی و ماهیت مادی روابط حقوقی متمایز می شود. قانونگذار دسته بندی های جداگانه ی دعاوی مدنی را بر مبنای دو معیار زیر مقرر می کند: ضرورت حفظ منافع عمومی در دعاوی مدنی مرتبط با اختلاف در روابط حقوقی حائز اهمیت در نزد جامعه، و پیچیدگی دعاوی، یعنی روابط حقوقی ای که موجب اختلاف می شوند بررسی، و معقولیت استفاده از قوانین خاص در حل اختلاف به دلیل الزامات خاص ارزیابی می شوند. به منظور توضیح مقاصد پروسه های ورشکستگی و معلوم کردن دلایل ظهور شرایط جداگانه در ورشکستگی، ضروری است تا بر ماهیت این اصل قانونی و دلایل ایجاد و تدوین آن تأکید شود؛ بنابراین تحلیل تدوین این اصل ضروری است.

بدین منظور در این مقاله یک پژوهشی تاریخی مقایسه ای را برای

یافتن قرینه های خاص پروسه ورشکستگی در قانون رم و پروسه ورشکستگی امروزی به بحث می گذاریم.

قانون رم به عنوان فوق العاده ترین قانون کهن برای انجام تحلیل تاریخی تدوین پروسه ورشکستگی انتخاب شده است. از نظر نویسندگان، این روش بهترین نمونه ای است که منشأ پروسه ورشکستگی و دلایل شکل گیری آن را آشکار می کند. اصول اساسی پروسه ورشکستگی دقیقاً در قانون رم شکل گرفته اند.

ارتباط موضوع: بنابر دلایل مذکور، تحلیل علمی جریان ورشکستگی بسیار جالب توجه است و اصولاً می تواند به قانونگذار در تصمیم گیری پیرامون تدوین مدل خاصی از پروسه ورشکستگی کمک کند. این قبیل پژوهش های علمی به آشکار شدن دلایل شکل گیری پروسه ورشکستگی و مقاصد آن، یعنی پیاده سازی مکانیزم تنظیمی مقرر روابط حقوقی ورشکستگی،

کمک می کند.

هدف پژوهش: تحلیل اصول قانونی خاص حقوق مدنی رم که ماهیت پروسه ورشکستگی را آشکار می کند.

مقصود: تحلیل منشأ تاریخی اصول پروسه ورشکستگی امروزی.

### اهداف:

۱- اثبات منشأ پروسه ورشکستگی  
۲- تحلیل اصول جداگانه ی حقوق خصوصی رم و توضیح آن دسته از اصول کنونی پروسه ورشکستگی که ریشه در قانون رم دارند.

توصیف پروسه عملی: با توجه به مقصود تعیین شده برای این پژوهش، نویسندگان از ترکیبی از شیوه های آکادمیک و تجربی پژوهش علمی استفاده کرده اند: یعنی تحلیل اسناد و پدیده های حقوقی، پروسه های زبانی، تطبیقی، انتزاعی، منطقی و تعمیم دهنده.

### ۱- منشأ پروسه ورشکستگی

پاسخ به مسأله ی زمان قاعده مند

شدن پروسه ورشکستگی به تفسیر ماهیت خود «ورشکستگی» وابسته است، یعنی آیا می‌توان روابط مرتبط با قصور در پرداخت دیون را به عنوان روابط ورشکستگی در نظر گرفت یا خیر؟

از قدیم حفظ منافع بستانکاران از اعسار بدهکار در زمره ی اهداف مقررات حقوقی بوده است. بنابراین تفسیر و تنظیم پروسه ورشکستگی امروزی نتیجه‌ی تکامل بلندمدت عرف‌ها و در ادامه قوانین موضوعه بوده است.

تحلیل قانون ملل کهن به پژوهش جامع نشانه‌های این اصل پیچیده در درک امروزی آن منجر می‌شود. در حقیقت در خانوار توسعه‌ی نیافته ی ملل کهن، هر بدهکار به همراه اعضای خانواده‌اش (و نه اموال خود) به منزله‌ی تضمین بازگشت بدهی بود. این حکم نه تنها در قوانین سختگیرانه‌ی مانو<sup>۶</sup>، بلکه در قوانین ده‌گانه‌ی نسبتاً آسان موسی نیز مقرر شده بود.<sup>۷</sup> این حکم بر طبق قانون مصر و نیز یونان مقرر شده

بود. همچنین نشانه‌های روابط بدهکاری خاص در دست‌نوشته‌های کهن عبری (باب ۱۱ کتاب پادشاهان، بخش ۴: شکایت یک زن به الیشا: «شوهر من فوت کرده است و یکی از بستانکاران وی مدعی به بردگی گرفتن دو پسر من شده است») و قوانین حمورابی (که مقرر می‌کند: «اگر کسی در پرداخت دیون خود کوتاهی کند، و خود، همسر خود، یا پسر یا دختر خود را در ازای پول بفروشد یا آنها را به کار اجباری بگمارد...<sup>۸</sup>) نیز قابل مشاهده است. در مراحل اولیه‌ی تدوین قانون رم نیز دریافت خسارت از فرد بدهکار یا اعضای خانواده‌ی وی رایج بود.

با توجه به شرایط زندگی ملل کهن، سطح آموزش اجتماعی و سنن فرهنگی و تاریخی، جای برای بحث پیرامون وجود پروسه ورشکستگی باقی نمی‌ماند، زیرا بر طبق موقعیت‌های که به دقت به بحث گذاشته شدند دقیقاً منشأ اجرای این پروسه را آشکار می‌کنند.

تنها زمانی می‌توان از منشأ پروسه ورشکستگی امروزی سخن گفت که وصول بدهی (که بدون شک منبع اصلی آغاز پروسه ورشکستگی است) به جای شخص به سوی اموال شخصی معطوف شده باشد و پروسه وصول بدهی به جای آنکه روشی دلبخواه فرد باشد، به حوزه ی مقرراتی مقامات دولتی ورود کرده باشد. بنابراین جی. پاگانو<sup>۹</sup> به درستی<sup>۱۱</sup> ادعا می‌کرد که پروسه ورشکستگی در فرهنگ‌های کهن وجود نداشته است، زیرا اساساً ماهیتی خصوصی داشته و کاملاً مستقل از مداخله‌ی مقام دولتی بوده است.

## ۲- ویژگی‌های اصلی پروسه

### ورشکستگی امروزی

همیشه نیازهای عینی جامعه هستند که هنجارهای حقوقی خاص را مقرر می‌کنند. ایجاد احکام نسبتاً پیشرفته درباره‌ی مدیریت تضاد جهت مقاصد سیستم برده داری ضروری بود؛ اما شکل و محتوای حل تضاد بازتاب مرحله‌ی تدوین روابط

عمومی بود. بنابراین مسئولیت فردی اصلی، و نه مسئولیت اساسی، شامل حال بدهکاران می‌شد.

پروسه ورشکستگی امروزی به عنوان روشی پیرامون مذاکره درباره‌ی رقابت الزامات متعدد بستانکاران شناخته می‌شود که از فقدان اموال بدهکار ناشی می‌شود. به گفته‌ی ای. ش. گلم اشتاین<sup>۱۲</sup>، تنها در صورتی می‌توان پروسه ورشکستگی را بررسی کرد که الزامات زیر برآورده شده باشند:

دارایی بدهکار برای پرداخت دعاوی بستانکاران کافی نباشد؛

- بستانکار متعدد باشند؛

- روش ویژه‌ای برای پرداخت دعاوی بستانکاران وجود داشته باشد.

جی. اف. سرسنویچ<sup>۱۳</sup> نیز رژیم ویژه‌ی مدیریت دارایی بدهکار و شکل‌گیری حجم رقابت را به این ویژگی‌های نسبت می‌دهد.<sup>۱۴</sup>

این ویژگی‌ها در قانون کشورهای باستانی نیز رایج بودند، اما تنها در صورتی می‌توان پروسه ورشکستگی

را اینگونه در نظر گرفت که این ویژگی‌ها همزمان بوده باشند.

قوانین امروزی ناظر بر روابط حقوقی ورشکستگی به دنبال حفظ احتمال اعاده‌ی اعسار بدهکار، رهایی از بند دیون و آغاز مجدد کسب و کار هستند.<sup>۱۵</sup> تحلیل تجربه‌ی کشورهای خارجی گرایش به تدوین روابط حقوقی ورشکستگی را فاش می‌کند؛ این تحلیل نشان می‌دهد که قوانین وضع شده پیرامون روابط حقوقی ورشکستگی در طول چند دهه به نرمی گراییده‌اند و دولت، نمایندگان سرمایه خصوصی، و بستانکارانی که غالباً سهام شرکت‌های معسر را تملک یا بخشی از بدهی را برداشت می‌کنند و ...، شرایط مطلوب وصول دیون شرکت را مقرر کرده‌اند. علاوه بر این، در کشورهای خارجی، مانند فرانسه یا ایالات متحده، سازمان‌های ویژه‌ی «نجات» شرکت‌های معسر در حال تأسیس هستند. این سازمان‌ها در زمینه‌ی عادی سازی فعالیت‌های عملیاتی و دیگر فعالیت‌های شرکت‌های معسر و اعاده‌ی اعسار

مالی و موارد دیگر تخصص دارند. بنابراین هنجارهای حقوقی مرتبط با روابط ورشکستگی به حل یکی از وظایف اصلی اقتصاد بازار (حذف آن دسته از اطراف روابط مدنی که قادر به ادای تعهدات خود و ایفای نقش مؤثر نیستند) کمک می‌کنند. با این حال قصد اصلی پروسه ورشکستگی اعاده‌ی اهلیت و نقش بدهکار و در عین حال تسویه حساب با این مجریان اقتصادی نومید است. به گفته‌ی بیشتر متخصصان (ال. لو پوکی<sup>۱۶</sup>، دی. گاربوس<sup>۱۷</sup>، وی. وی. استپانف<sup>۱۸</sup>، وی. ویتیانسکی<sup>۱۹</sup>) هدف توجیهی پروسه ورشکستگی بیشترین اهمیت را برای مقررات امروزی روابط حقوقی ورشکستگی دارد. با این حال بعضی از معتبرترین متخصصان پروسه ورشکستگی ایالات متحده مانند دی. جی. برد<sup>۲۰</sup> و پی. کی. راسموسن<sup>۲۱</sup> ابراز تأسف کرده‌اند که پروسه ورشکستگی به قصد نجات مجریان اقتصادی دچار مشکلات مالی روشی منسوخ شده است یا روزهای آخر خود را می‌گذارند.<sup>۲۲</sup>

### ۳- منشأ پروسه ورشکستگی در قانون رم

به منظور پاسخ به پرسش زمان قاعده‌مند شدن پروسه ورشکستگی و نحوه و علل تغییر شکل آن، تحلیل دقیق مراحل خاص تدوین قانون رم (مرحله‌ی اولیه‌ی تدوین قانون رم، پروسه بازداشت طرف دیگر<sup>۲۳</sup>، ایجاد پروسه فروش کلی اموال<sup>۲۴</sup>، پروسه فروش جزء به جزء اموال<sup>۲۵</sup>، و پروسه واگذاری کالاها<sup>۲۶</sup>)، زمان شکل‌گیری اصول جداگانه‌ی پروسه ورشکستگی (که بعدها مستقیماً بر پروسه ورشکستگی امروزی اثر می‌گذارد) ضروری است. پذیرش قانون رم به بخش مهم و پدیدهای منحصر به فرد حیات حقوقی اروپای قرون وسطی مبدل شده است. قانون عملاً منسوخ و خنثی بدواً و حتی بدون دخالت قانونگذار در مسیر غلبه بر قانون زنده حرکت کرده است. قانون رم که در طول ۵ دهه به عنوان تاریخ بازگشت ناپذیر تلقی می‌شد، دفعتاً به آن چیزی دست یافت که در

طول دوره‌ی اوج شکوفایی و قدرت خود قادر به انجامش نبود.<sup>۲۷</sup> متعاقباً به دلیل تلاش‌های حقوقدانان اروپای قرون وسطی که اصول عقاید قانون رم را در قوانین حقوقی مختلف مقرر کرده بودند، انبوه تجارب به دست آمده از قانون رم از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به قانون امروزی رسیده است.

شاید استفاده از اصطلاحاتی مانند «ورشکستگی»، «پروسه ورشکستگی»، «قانون ورشکستگی»، «روابط حقوقی ورشکستگی» و غیره در زمینه‌ی قانون رم صحیح به نظر نرسد، زیرا این اصطلاحات از قانون ایتالیایی قرون وسطی نشأت می‌گیرند، یعنی زمانی که «ورشکستگی» برای توصیف بدهکارانی استفاده می‌شد که متواری و از دسترس بستانکاران مخفی شده بودند. اصطلاح «ورشکستگی» از ایتالیایی به شرح زیر ترجمه می‌شود: «واژه‌ی *bankus* در ایتالیایی به معنای اداره، کیوسک یا مؤسسه‌ی تجاری و واژه‌ی *roto* به معنای فروپاشی یا

بسته شدن اداره است.<sup>۲۸</sup> با این حال بر مبنای تحلیل تاریخی پروسه ورشکستگی و با توجه به ترسیم قرینه‌های موجود در میان اصول جداگانه‌ی ورشکستگی مدرن و منشآت آن، متوجه می‌شویم که استفاده از اصطلاحات «ورشکستگی»، «پروسه ورشکستگی»، «روابط حقوقی ورشکستگی» و غیره منطقی است، زیرا زبان‌شناسی و بنابراین سبک اعمال شده در قانون ورشکستگی امروزی به آشکار شدن هدف و قصد این قانون کمک می‌کند.

در قانون رم طرح دعوی بستانکاران متعدد علیه بدهکار واحد رواج داشت. مقررات حاکم بر روابط بدهکاران معسر بدواً مقرر می‌کرد که بستانکاران بدهکار معسر بتوانند بدهی را از بدهکار و نه دارایی وی وصول کنند (جدول قوانین ۱۷، جدول ۳)<sup>۲۹</sup>. معمولاً بدهکار به بستانکاران واگذار می‌شد که آنها می‌توانستند وی را به بردگی گرفته یا وی را بکشند، یعنی به صلاحدید خود با وی رفتار می‌کردند، بنابراین



مطالبات بستانکاران ادا می شد.<sup>۳۰</sup> همچنین بستانکاران محق بودند بدهکار معسر را ریز ریز کنند،<sup>۳۱</sup> چرا که بستانکار بودند. با وجود توسعه‌ی روابط بدهکاری، این پروسه به عنوان آخرین حالت قصور در بازپرداخت بدهی پابرجا ماند، هرچند این پروسه در عمل تنها احساس انتقام فرد غیر متمدن نسبت به بدهکار معسر را ارضا می کرد.

تضاد منافع بدهکار و بستانکاران به روشی نسبتاً خشن حل می شد، اما بر طبق شرایط اجتماعی آن دوره، یعنی روابط اعتباری توسعه نیافته، فقدان سیستم مالی، و مقررات اخلاقی معین، این پروسه به هنجار محسوب می شد. بدیهی است که بر طبق پروسه های امروزی ورشکستگی، این روش حل اختلاف بین بدهکار و بستانکاران پروسه ورشکستگی محسوب نمی شود. همانطور که به درستی توسط ام. تلیوکینا<sup>۳۲</sup> عنوان شد، تنها در صورتی می توان از منشأ پروسه ورشکستگی صحبت کرد که پیش از

وصول بدهی از بدهکار، دارایی وی نقد شده و بین بستانکارانی که مطالبات خود را مطرح کرده اند، تقسیم شده باشد. با این حال احتمال بازبینی دوره‌ای وضعیت بدهکار وجود دارد، یعنی برای بررسی عدم وجود شرایطی برای رها کردن بدهکار از بردگی (هرچند بازبینی وضعیت معمولاً به ضرر بدهکار منتهی می شود) باید به عنوان پدیده‌ی مترقی روابط بدهکاری این دوران در نظر گرفته شود.<sup>۳۳</sup>

مرحله‌ی بعدی بحث روش بازداشت طرف دیگر ( *manus iniectio* ) است. *Legis actio per manus iniectio* روشی است که برای شروع اجرای هرگونه حکم قضایی (اجباری) استفاده می شد. شکل *Legis actio* (دعوی قانونی) مورد بحث (اجرای حکم قضایی) در جدول ۳ جداول ۱۲ گانه‌ی قانون تعیین شده است.<sup>۳۴</sup> با شروع روش وصول، اول از همه روش بازداشت طرف دیگر به عنوان تجلی نمادین قدرت بازداشت جهت آغاز اعدام

بدهکار ضروری بود.<sup>۳۵</sup> بازداشت طرف دیگر (*manus iniectio*) در معنای عام خود روش خاصی است که بستانکار در حضور قاضی بدهکار را بازداشت می کند و اگر حقوق بستانکار فوراً ایفا نشده باشند (یعنی *vindex* یا حامی - شخص ثالثی که می تواند از اقدامات بعدی بستانکار جلوگیری کند - ورود نکرده باشد)، بدهکار را به خانه‌ی خود می برد و وی را به مدت ۶۰ روز بازداشت می کند. به محض پایان یافتن این دوره بستانکار می تواند بدهکار را به قتل برساند یا به عنوان برده به فروش برساند.<sup>۳۶</sup> به گفته‌ی آر. ای. مایزویکیوت<sup>۳۷</sup>، رعایت *Legis actio per manus iniectio* موجب حفظ نشانه‌های روشن دفاع نفس خصوصی شد که به مرور زمان از اعتبار قانون برخوردار شده بود، در نتیجه خود بازداشت طرف دیگر ( *manus iniectio* ) به عنوان تجلی رسمی و مسبک دفاع نفس ساده قابل تفسیر است که در دوران کهن رواج داشته است، یعنی زمانی که شهرها (دولت) هنوز در اختلافات

افراد مداخله نمی‌کردند.<sup>۳۸</sup> در این زمان به بدهکارانی که به بدهی اذعان داشتند فرصتی ۳۰ روزه داده می‌شد تا دیون خود را پرداخت کنند. تنها پس از انقضای دوره تعیین شده بود که تشریفات وصول بدهی نسبت به بدهکار قابل اعمال بود: «...اگر بدهکار ظرف مدت تعیین شده در پرداخت بدهی به بستانکار قصور می‌کرد، معسر اعلام می‌شد، سپس جبران خسارت از طریق دارایی‌های بدهکار و خود وی آغاز می‌شد...»<sup>۳۹</sup> همچنین این دوره ۳۰ روزه شامل حال افرادی می‌شد که تابع احکام قضایی بودند. در مورد بدهکاری که ظرف مدت تعیین شده در ادای مطالبه‌ی بستانکار قصور می‌کرد، بستانکار محق بود تا فرآیند قهری را نسبت به وی اعمال کند یا از دادگاه بخواهد خود بدهکار را به بستانکار واگذار کند (*addiction*). روش بازداشت طرف دیگر نه تنها شامل حکم دادگاه یا تصدیق بدهی می‌شد، بلکه زمانی که بدهکار در زمان پایان قرارداد رأساً تضمین بدهی را می‌پذیرفت نیز نافذ بود. در

این حالت حکم دادگاه یا تصدیق بدهکار به عنوان دارایی بستانکار ضرورت نداشت. بدهکاری که گروگان گرفته می‌شد، تنها در صورت پرداخت تمام بدهی به صورت یکجا یا در صورت پیوستن *vindex* (حامی) به روش، با پذیرش تعهد پرداخت بدهی آزاد می‌شد. حامی محق بود تا پس از پایان روش بازداشت طرف دیگر (*manus iniectio*) بدهکار را به منزل بیاورد. با این حال بدهکار برده نمی‌شد و اهلیت خود را از دست نمی‌داد. بدهکار به مدت ۶۰ روز گروگان نگه داشته می‌شد که در طول این مدت ۳ بار به بازار برده می‌شد و برای فروش در ازای پرداخت دیون وی عرضه می‌شد.

اگر هیچ فرد نیکوکاری پا پیش نمی‌گذاشت، حامی محق می‌شد تا بدهکار را به عنوان برده به منزل بیاورد، بدهکاری که ورای مرزهای رم فروخته یا در صورت ضرورت کشته می‌شد.<sup>۴۰</sup> تدریجاً به دلیل فقر طبقه‌ی عوام رم و بدهکار شدن مکرر آنها، نیاز به محدود کردن

اقدامات خودسرانه‌ی بستانکاران و محدود کردن این اقدامات به موارد عدم صداقت بدهکار مطرح شد. بدین منظور در سال ۳۲۶ پیش از میلاد قانون مشهور به *lex Poetelia Papiria* تصویب شد. این قانون در مواردی که بدهکار به عدم پنهان‌کاری نسبت به بستانکار سوگند یاد کرده و واگذاری تمام دارایی‌های خود را پذیرفته بود، اقدامات خودسرانه را ممنوع می‌کرد. همچنین تضمین قهری وام‌ها توسط بدهکار نیز لغو شد و علاوه بر این احتمال آزاد شدن بدهکار معسر از بردگی نیز مقرر شد، مشروط بر آنکه وی جرمی مرتکب نشده باشد.<sup>۴۱</sup> رویکرد اساساً متحول شده‌ی دولت پیرامون روابط بدهکاری، که با آغاز محدودیت اقدامات خودسرانه‌ی بستانکاران توسط دولت تدوین شده بود و موقعیت بدهکاران را کمی بهبود بخشیده بود، توسعه‌ی بیشتر روابط اقتصادی - تجاری را تسهیل کرد. بنابراین به تدریج هنجارهای حقوقی پیرامون وصول بدهی از دارایی بدهکار در قانون رم مقرر

شدند. با این حال در مواردی که کل دارایی بدهکار برای پرداخت بدهی کافی نبود، بدهکار از ادای دیون خود معاف نمی‌شد.<sup>۴۲</sup> این مدل نظارت بر روابط بدهکار - بستانکار مدت‌ها نافذ بود.

به لحاظ تاریخی روشن نیست که وصول بدهی از فرد بدهکار دقیقاً از چه زمانی جای خود را به وصول بدهی از دارایی بدهکار داده است. بدیهی است که این تغییر، همانند تمام اصول قانون رم که تدوین تدریجی داشته‌اند، فرآیندی تدریجی بوده است. با این حال هدایت مطالبات بستانکاران به دارایی بدهکار (وصول دارایی‌ها یا *executio realis*) همچنان نتیجه‌ی قانون امپراتوری رم است.<sup>۴۳</sup> قانون پراتوری صراحتاً ماهیت انتقامی روش *executio* را حذف کرد.

جالب توجه است که بر طبق اصول گایوس<sup>۴۴</sup>، اگر بدهکار در دسترس نباشد یا مخفی شده باشد، در صورتی که دریافت بدهی از فرد

غیرممکن باشد، بستانکار محق است از پراتور بخواهد اجازه‌ی واگذاری دارایی بدهکار را صادر کند (*mission in possessionem*). مبنای این خواسته می‌تواند تصمیم دادگاه یا قرارداد، یا تصدیق بدهی باشد. ممکن بود تعدادی از بستانکاران ادعای واگذاری دارایی بدهکار را مطرح کنند. اگر تنها یکی از بستانکاران واگذاری دارایی بدهکار را درخواست می‌کرد، مطالبات بستانکارانی که بعدها اضافه می‌شدند نیز ادا می‌شد. اجازه‌ی تصرف دارایی بدهکار معسر به بستانکار، بدون انتقال مالکیت قانونی به دارنده، نظارت و حفظ دارایی بدهکار (*bonorum servandorum causa*) را میسر می‌کرد.<sup>۴۵</sup> شروع روش‌های فوق‌الذکر اعلام انتقال واگذاری و فروش احتمالی دارایی را به دنبال داشت. اعلام یاد شده اساساً با ارائه‌ی اطلاعات به بستانکاران احتمالی و دعوت آنها به پیوستن به روش مذکور در ارتباط بود. این دعوت کاملاً با جوهره‌ی ورشکستگی

امروزی مطابقت دارد. اگر مطالبات بستانکاران ظرف مدت ۳۰ روز ادا نمی‌شد، بدهکار ورشکست (*decotor*) اعلام می‌شد، مشروط بر آنکه بدهکار زنده باشد (در صورتی که مرده باشد، در ۱۵ روز)<sup>۴۶</sup>. رییس فروش اموال (*Magister bonorum vendorum*) از سوی بستانکاران به عنوان مسئول فروش دارایی بدهکار انتخاب می‌شد. مأمور منتخب اجرای حراجی معمولاً برای انجام صادقانه‌ی وظایف خود سوگند یاد می‌کرد. وی موظف بود برای یافتن خریداران دارایی بدهکار و اطمینان از شرایط قرارداد فروش دارایی‌های بدهکار تلاش کند. دارایی بدهکار معسر معمولاً به صورت کلی فروخته می‌شد، در نتیجه خریدار حقوق دارایی را به ارث می‌برد. شرط اصلی انتقال دارایی آن بود که خریدار باید سهم معینی از ارزش دارایی را برای ادای مطالبات بستانکاران صرف کند. قرارداد فروش دارایی بدهکار معسر توسط همان پراتوری تأیید می‌شد که حکم توقیف دارایی بدهکار را

صادر کرده بود. روش مورد بحث *venditio bonorum* (فروش کلی اموال) خوانده می‌شد. این اصطلاح برای توصیف حراج دارایی بدهکار نیز به کار برده می‌شود.<sup>۴۷</sup> شیوه‌ی مورد اشاره‌ی فروش دارایی بدهکار به ضرر بستانکاران بود، زیرا دارایی در معرض فروش روی هم رفته با بهای حقیقی آن مطابقت نداشت. نارضایتی بستانکاران تدریجاً به انتقال کل بهای دارایی بدهکار به بستانکاران منجر شد. بنابراین روش جدید فروش دارایی بدهکار معسر (*distractio bonorum*) پدیدار شد. در این روش یک هماهنگ کننده برای فروش دارایی تعیین می‌شد. وی موظف بود دارایی فرد بدهکار را به سودآورترین شکل ممکن به فروش برساند و این امر تنها از طریق فروش بخش‌های تقسیم شده‌ی دارایی میسر بود. بنابراین در همین مرحله می‌توان نشانه‌های یکی از افراد اصلی فرآیند اجرای پروسه ورشکستگی را مشاهده کرد (یعنی مدیر ورشکستگی).

قوانین مرتبط با اجرای روش‌هایی که در زمان حکومت ژولیوس سزار نافذ بودند، مقررات مطلوب تری را مقرر کردند که موقعیت بدهکار معسر را تسهیل می‌کرد، یعنی احتمال لغو وصول بدهی از فرد بدهکار مطرح شد. علاوه بر این، احتمال لغو محکومیت عمومی (*infamia*: رسوایی) که همیشه در رابطه با بدهکار معسر اجرا می‌شد نیز مقرر شد.<sup>۴۸</sup> با این حال فروش دارایی بدهکار معسر موجب پایان روابط اعتباری نشد. مسئولیت بخشی از مطالبات بستانکاران، که با وجود فروش دارایی موجود پرداخت نشده بودند، همچنان به عهده‌ی فرد بدهکار بود. به این طریق حق کلیه‌ی دارایی‌هایی که ممکن بود فرد بدهکار در آینده بواسطه‌ی تلاش خود به دست آورد به بستانکاران تعلق می‌گرفت.<sup>۴۹</sup> این روش *cessio bonorum* یا واگذاری کالا خوانده می‌شد.

اقتساب حق بخشی از دارایی بدهکار (و نه تمام آن) توسط بستانکاران بدون شک ترقی‌خواهانه بود. قانون حق *beneficium compensatio* را در اختیار بدهکار قرار می‌داد که به معنای آن است که بستانکار نمی‌تواند اموال شخصی بدهکار (که برای بقای اولیه ضروری هستند) را به عنوان جریمه ضبط کند.<sup>۵۰</sup>

این تصور که با افزایش مقررات ناظر بر روابط بدهکاران معسر و بستانکاران تنها موقعیت بدهکار معسر پیوسته رو به بهبود بوده، تصویری نادرست است. زمانی که بدهکاران معسر رویکرد مشفقانه‌ی دولت را نسبت به خود احساس کردند، جستجوی روش‌های اجتناب از واگذاری کلی دارایی‌های ارزشمند خود را آغاز کردند. بدین منظور اقدامات متقلبانه‌ی مختلفی مانند انتقال دارایی به اشخاص ثالث و مانند آن قابل انجام بود. روش امپراتوری در واکنش به تقلب‌های متعدد دو روش *interdictum actio Pauliana* و *fraudatorum* را برای حمایت از بستانکاران در مقابل بدهکار متقلب تدوین کرد. به موجب *Actio Pauliana* ضامن‌ها

محق می‌شدند تا نسبت به آن دسته از اقدامات بدهکاران که پیش از شروع اجرای روش آغاز و موجب خسارت بستانکاران شده است ( *fraus creditorum* )، اعتراض کنند. با این حال خود ضامن‌ها باید اثبات می‌کردند که اقدامات فرد بدهکار زیان آور بوده و به کاهش ارزش ملک منجر شده است و اینکه بدهکار این اقدامات را با علم زیانبار بودن آنها برای بستانکاران مرتکب شده است. اگر این حقایق اثبات می‌شدند، اشخاص ثالث می‌توانستند دارایی را تصرف کنند. با این حال اگر شخص ثالث ثابت می‌کرد که در تملک ملک بیگناه بوده است، اعاده ی مال شامل حال وی نمی‌شد.<sup>۵۱</sup> اصل قانونی *Actio Pauliana* در پروسه ورشکستگی امروزی نیز جایگاه مناسبی دارد، جایی که مدیر ورشکستگی معاملات شرکت معسر را که پیش از پروسه ورشکستگی انجام شده‌اند بررسی می‌کند و با اثبات اینکه این معاملات بر خلاف منافع بستانکار منعقد شده‌اند، برای مطالبه ی دارایی از

خریداران متقلب این معاملات را مورد اعتراض قرار می‌دهد.

بعدها امکان درخواست مجوز به تعویق انداختن پرداخت بدهی از امپراتور مقرر شد. امپراتور اجازه می‌داد تا پرداخت بدهی تا ۵ سال به تأخیر انداخته شود تا از حمایت از زیردستان خود اطمینان حاصل کند.<sup>۵۲</sup> امکان به تعویق انداختن پرداخت بدهی به خودی خود پیشرفت روابط اعتباری را به دنبال نداشت. با این حال ژوستینین مقرر کرد بود که اگر اکثریت بستانکاران درخواست بدهکار برای تعویق پرداخت بدهی را بپذیرند، سایر بستانکاران ملزم به پذیرش این تصمیم خواهند بود.<sup>۵۳</sup> این امر به منشأ اصل توافق صلح اشاره دارد.

تدوین قانون رم با فروپاشی امپراتوری رم در قرن چهارم میلادی متوقف شد، اما در قرون وسطی احیاء شد. در این دوران قانون رم به پدیده‌ای معنادار و منحصر به فرد حیات حقوقی اروپای قرون وسطایی مبدل شد. چارچوب قانون

ورشکستگی مورد بحث، که بر طبق قانون رم شکل گرفته بود، بعدها تا حدی به قانون ایتالیای قرون وسطا منتقل شد، با این حال ایتالیای قرون وسطی در مقابل پذیرش کورکورانه‌ی هنجارهای حقوقی قانون رم مقاومت نشان داد.

### نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان ادعا کرد که تحلیل پیش روی تدوین اصول قانون رم پیرامون روابط بدهکار - بستانکار و روش‌های اجراء، نه تنها اولین نشانه‌های پروسه ورشکستگی، بلکه اصول اساسی معین پروسه ورشکستگی را آشکار می‌کند. بنابراین اصول پروسه ورشکستگی یاد شده، که در چارچوب قانون رم شکل گرفته بودند، به عنوان داده‌های ورودی اصلی تدوین پروسه‌های عمومی ورشکستگی متمایز می‌شوند:

- ۱- جایگزین شدن مسئولیت فردی با مسئولیت مالی؛
- ۲- مطرح شدن حراج عمومی به عنوان شکلی از نقد کردن دارایی

29 -Vélyvis, S.; Jonaitis, M. XII lentelių įstatymai ir jų komentaras. [Velyvis, S.; Jonaitis, M. XII. [جدول قانون و تفسیر آن]. Vilnius: Teisinės informacijos centras, 2007, p. 41-44; Kipp, T. Romėnų teisės šaltinių istorija. [تاریخ منابع Kaunas: Vytauto Didžiojo universiteto Teisų fakulteto leidinys, 1939, p. 31-37.

30- وی. ان. تکاچف، صفحه ۸.  
31- partes secae، جی. اف. سرسنویچ، صفحه ۲۸

32 -Телюкина, М. В. Основы конкурсного права. [Teliukina, M.V. Москва: Волтерс Ключев, 2004, с. 2.

33 -Малышев, К. И. Исторический очерк конкурсного процесса. [Malyshev, K.I. مطالعه تاریخی پروسه Санкт-Петербург, 1871, с. 6.

34 -Vélyvis S., Jonaitis, M., p. 41-44.; Kipp, T., p. 34.

35 -Wagner, L. *Procedura civile romana*. Milano: Dott. A. Giuffrè, 1938, p. 220.

36 -Nekrošius, I.; Nekrošius, V.; Vélyvis, S. *Romėnų teisė*. [Nekrosius, I.; Nekrosius, V.; Velyvis, S. Roman Law]. Vilnius: Justitia, 1999, p. 48.

37 -R. A. Miseviciute

38 -Misevičiūtė, R. A. *Manus iniectio, kaip asmeninės (fizinės) atsakomybės išraiška, romėnų privatinėje teisėje*. Teisė į teisinę gynybą ir jos realizavimo praktiniai aspektai. [Miseviciute, R.A. *Manus Iniectio as an Expression of Personal (Physical) Responsibility*]. Vilnius: Mykolo Romerio universitetas, 2006, p. 96-97

39 -Малышев, К. И. Исторический очерк конкурсного процесса. Классика Российской цивилистики. [Malyshev, K. I. مطالعه تاریخی پروسه Москва: Статут, 2000, с. 6.

40- جی اف سرسنویچ، صفحه ۲۹.  
41- همان، صفحه ۳۰.  
42- Tkachev, V. N. فصل ۹.  
43- D. Gecas : Roman Praetorian law صفحه ۳.

44 -Gaius: Памятники римского права: Законы XII таблиц. Институции Гая. Дигесты Юстиниана. [ یادمان های قانون رم : قانون جداول ۱۲ گانه. اصول گایوس. خلاصه های Москва: Зеркало, 1997, с. 608.

45- جی. اف. سرسنویچ، صفحه ۳۱.  
46 -Бартошек, М. Римское право. Понятие, термины, определения. [Bartoshek, M. درک قانون رم و اصطلاحات و Москва: Юридическая литература, 1989, с. 102.

47 -Girard, P. F. Romėnų teisė. II tomas. [Girard, P. F. Roman Law. II Book]. Kaunas: Vytauto Didžiojo universiteto Teisų fakulteto leidinys, 1932, p. 50.

48- جی. اف. سرسنویچ، صفحه ۳۲.  
49- همان، صفحه ۳۱-۳۲.  
50- دی. ژکاس، صفحه ۴.  
51- پی. اف. جیرارد، صفحات ۵۰ و ۵۱.  
52- جی. اف. سرسنویچ، صفحه ۳۴.  
53- همان.

## ورشکستگی در کشورهای مختلف راه یافته اند.

- 1 -Stasys Vélyvis
- 2 -Vilija Mikuckienė
- 3 -Mykolas Romeris
- 4 -Ateities
- 5 -Actio Paulina
- 6 -Laws of Manu
- 7 -Pagano, G. *Teorica del Fallimento*. Rome, 1889, p. 9.
- 8 -Gecas, D. *Skolininkų neišsigalėjimas ir bankrotas*. [Gecas, D. Insolvency and Bankruptcy of Debtors]. Kaunas, 1929p. 2.
- 9 -Tamošaitis, A.; Kairys, J. *Hammurabi įstatymas*. [Tamosaitis, A.; Kairys, J. Hammurabi's Code]. Kaunas: Vytauto Didžiojo universiteto Teisų fakulteto leidinys, 1938, p. 8.
- 10 -G. Pagano

11- جی. پاگانو، صفحه ۹

- 12 -A. Ch. Golmstein: Голмштейн, А. Х. Исторический очерк русского конкурсного процесса. [Golmstein, A. Ch. مطالعه تاریخی پروسه رقابتی روسیه. Санкт-Петербург, 1888, с. 1.
- 13 -G. F. Sersenevich: Шершеневич, Г. Ф. Конкурсный процесс. [Shershenevich, G. F. پروسه رقابتی. Классика Рос-сийской цивилистики. Москва, 2000, с. 27-28.
- 14- حجم رقابت و ویژگی ای است که می تواند در ازای بستانکاران توزیع شود، که نه تنها اموال و حقوق اختصاصی بدهکار را شامل می شود، بلکه تمام منافع و تعهدات اختصاصی وی را نیز در بر می گیرد.
- 15 -Степанов, В. В. Несостоятельность (банкротство) в России, Франции, Англии и Германии. [Stepanov, V.V. اعسار (ورشکستگی) در روسیه، فرانسه، انگلستان و Германия: Москва: Статут, 1999, с. 14-15.
- 16 -L. Lo Pucki: 9
- 17 -D. Garbus: 10
- 18 -V. V. Stepanov: 11
- 19 -V. Vitianski: 12
- 20 -D. G. Baird
- 21 -P. K. Rassussen: 13
- 22- لو پوکی، ال. ام. قصور دانشگاهها : چگونه رقابت برای دعوی بزرگ موجب فساد دانشگاه های ورشکستگی می شود، لندن، ۲۰۰۳، صفحه ۲۸.
- 23 -manus iniectio
- 24 -venditio bonorum
- 25 -distractio bonorum
- 26 -cession bonorum
- 27 -Maksimaitis, M. *Užsienio teisės istorija*. [Maksimaitis, M. Foreign Law Theory]. Vilnius: Justitia, 2002, p. 113
- 28 -Ткачев, В. Н. Несостоятельность (банкротства) в Российской Федерации. Правовое регулирование конкурсных отношений. [Tkachev, V.N. اعسار (ورشکستگی) در فدراسیون روسیه. مقررات Москва: Книжный мир, 2002, с. 10.

فرد بدهکار؛

۳- گذار از دارایی بدهکار به صورت یکجا به نقد کردن دارایی در بخش های جداگانه؛

۴- مطرح شدن فردی که ضمن سوگند به عدم پیگیری مقاصد خودخواهانه، اقدامات مرتبط با دارایی بدهکار را متقبل می شود؛

۵- مقرر کردن دوره ای ۳۰ روزه که در طول این دوره فرد بدهکار ملزم به پرداخت بدهی است (روش حل اختلاف مطالبات)؛

۶- شکل گیری اصل مرتبط با آگاه کردن بستانکاران احتمالی از شروع روش های وصول بدهی و دعوت از آنها برای پیوستن به روش مذکور؛

۷- مقرر کردن ممنوعیت وصول بدهی از لوازم خانگی فرد بدهکار؛

۸- مطرح شدن منشأ اصل توافق صلح بین بدهکار و بستانکاران؛

۹- مقرر کردن *Actio Pauliana* (شیوهی حمایت از بستانکاران)؛

مواد فهرست شده نهایتاً به نحوی به قانونگذاری پیرامون روابط حقوقی